

نغمه های جاویدان

منتخبی از مزامیر داود

هفته چهارم

فهرست مندرجات

- ۱ فصل بیست و دوم (مزمور ۳۷) : تفاوت عادلان و شریران
- ۲ فصل بیست و سوم (مزمور ۳۹) : بطالت زندگی
- ۳ فصل بیست و چهارم (مزمور ۴۰) : سرود جدید در مدح خدا
- ۴ فصل بیست و پنجم (مزمور ۴۱) : شکایت از دشمنان و اطمینان از خدا
- ۵ فصل بیست و ششم (مزمور ۴۲) : طلبیدن خدا در هنگام زحمت
- ۶ فصل بیست و هفتم (مزمور ۴۵) : شعری در وصف عروسی شاهانه
- ۷ فصل بیست و هشتم (مزمور ۴۶) : خدا پناهگاه مطمئنی است

((فصل بیست و دوم))

(مزمور ۳۷): تفاوت عادلان و شریران

پند حکمت آموز

هرگز بر شریران حسد مبر! به زودی چون علف پژمرده و ناپدید می گردند. در عوض، بر خدا توکل داشته باش. نسبت به همسوی خود نیکو و مهربان باش؛ آنگاه مطمئناً در زمین سعادت‌مند بوده و در امنیت زیست خواهی نمود. در خداوند شادمان باش، آنگاه او جمیع آرزوهایت را برآورده خواهد ساخت. تمام کارهای خود را به خدا بسپار. بر خدا توکل نما تا تو را امداد فرماید. بی گناهی تو بر همه روشن می گردد. با نور مشتعل عدالت خود که چون خورشید به هنگام ظهر می درخشد، از تو حمایت خواهد کرد. در خداوند بیارام! با صبر منتظر اقدام او باش. بر کامیابی شریران رشک مبر. غضبناک مشو! خشم خود را فرو نشان. اندوهگین و آزرده خاطر مشو که زیان می بینی، زیرا شریران نابود می شوند ولی جمیع برکات نصیب کسانی می شود که بر خدا توکل دارند. بدکاران فقط اندک زمانی وجود دارند و سپس نیست میگردند. جستجو در پی ایشان بطلالت محض است. اما کسانی که خود را در مقابل خدا فروتن می سازند نعمت فراوان می یابند و در آرامش کامل بسر خواهند برد.

محکومیت شریران

خداوند به کسانی که به علیه مؤمنان او توطئه می چینند می خندد، زیرا می داند روز داوری ایشان فرا می رسد. اشرار، نشانه می گیرند تا مسکینان را به قتل رسانند، برای کشتن درستکاران آماده اند، لکن همه اسلحه هایشان شکسته خواهد شد و شمشیرها به دلهی خودشان فرو خواهد رفت. مال اندک داشتن و خدانشناس بودن بهتر از تمول مرد شریر است. زیرا قوت شریران را درهم خواهد شکست ولی خداوند بخشیده شدگان را مراقبت می نماید. خداوند هر روزه اعمال نیک خدا شناسان را در دفتر خود ضبط می کند و به آنها پاداش ابدی عنایت می فرماید. در مواقع سختی از ایشان نگهداری می کند؛ حتی در زمان قحطی سیر خواهند شد. اما اشرار هلاک می شوند. این دشمنان خدا، چون علف خشک و مانند دود ناپدید می گردند

پاداش عادلان

بدکاران قرض می گیرند ولی قادر به استرداد آن نیستند، اما شخص نیکو دین خود را با اندکی بیشتر ادا می کند. آنانیکه از خداوند نعمت یافته اند وارث زمین خواهند شد. اما ملعونان خواهند مرد. خداوند راهنمای صالحان است. از هر قدمی که بر میدارند خشنود است. اگر بیافتند، کشنده نیست، چونکه خداوند با دست توانای خویش ایشان را برپا میدارد. جوانی را به خود دیده ام و اکنون پیر هستم. در تمام سالهای عمرم ندیدم که خداوند محبان خود را ترک نماید، و ندیده ام که فرزندان مؤمنان گرسنگی بکشند. در اثر این لطف خداوند، ایمانداران، سبب برکت دیگران می شوند. پس اگر طالب منزلگاه ابدی هستی، طریق شرارت بار خود را ترک کرده، راه درست را در پیش گیر، زیرا خدا عدالت و انصاف را دوست دارد؛ او هرگز دوستداران خود را ترک نخواهد کرد. ایشان تا ابد در امان خواهند بود؛ اما دوستداران شرارت هلاک خواهند شد. شخص دیندار حکم در زمین غرس می گردد و تا ابد الدهر در آنجا خواهد زیست. شخص مؤمن ناصح خوبی است، چون عادل و با انصاف است و خوب را از بد تمیز می دهد.

تفاوت سرنوشت نیکوکاران و بدکاران

بد اندیشان در پی بهانه هستند تا مؤمنان را متهم نموده و آنگاه خواستار مرگ آنها شوند! اما خداوند اجازه نمی دهد که این اشرار به هدف شوم خود برسند، و یا اینکه صالحان در حضور قاضی محکوم شوند. برای اقدام خداوند عجله مکن! در طریق او خرامان باش، او در زمان معین تو را سرافراز می نماید و هلاکت بدکاران را نظاره خواهی نمود. این واقعه را با چشم خود دیده ام: شخص شریر و خودخواهی را دیدم که چون سرو لبنان بلند بود. ولی بار دیگر هنگامی که خواستم او را ببینم، از بین رفته بود! تجسس نمودم، لکن وی را نیافتم. اما سرنوشت شخص نیکوکار طور دیگر است! او آینده با شکوه و درخشانی دارد، زیرا عاقبت وی خجسته می باشد. اما اشرار هلاک می شوند و نسل ایشان منقطع می گردد. خدا عادلان را نجات می دهد! در موقع فرا رسیدن رحمت، او پناهگاه و نجات دهنده ایشان است. چون ایشان بر خدا توکل دارند، آنها را از توطئه می رها کند.

((فصل بیست و سوم))

(مزمور ۳۹) : بطالت زندگی

پوچ بودن زندگی

به خود گفتم احتیاط خواهم نمود تا با زبانم خطا نورزم . از شکوه نمودن دست می کشم ! خاموش می شوم ، مخصوصاً وقتی که بی دینان گرداگرد من هستند ، اما همانطور که گنگ و خاموش ایستاده بودم ، آشوب و التهابی در درونم به وجود آمد . هر چه بیشتر می اندیشیدم ، آتش درونم ملتهب تر می شد . سرانجام متکلم شده از خداوند التماس نمودم : خدایا ، مرا یاری کن تا بفهمم که عمرم بر روی زمین چقدر کوتاه می باشد ! تا بدانم که لحظه ای بیش در این جهان نیستم . طول عمرم یک وجب است ! تمام ایام عمرم در نظر تو یک لحظه می باشد . عمر شخص مغرور چون سایه است که می گذرد مانند نفسی که بیرون آید و نیست گردد ! و کار و بارش به بطالت میانجامد . او ثروت را میاندوزد لکن دیگری از آن استفاده خواهد برد .

طلبیدن حکمت و رحمت

پس ای خداوند ، من فقط در تو امیدوارم . مرا از همه گناهانم خلاصی بخش ، مبادا نادانان مسخره ام کنند . پروردگارا ، در پیشگاه تو گنگ هستم و نمی توانم سخن گویم . دهان خود را به شکایت باز نخواهم کرد ، زیرا کیفر من از جانب تو است . خداوند! بیش از این مرا مضروب مساز - از دست تو به کلی تلف می شوم . وقتی که تو شخص را به جهت گناهانش تنبیه می کنی ، نابود می شود . او مثل پارچه بید خورده می گردد . بلی ، انسان همچون نفسی است که بر می آید و نابود می شود . خدایا ، دعایم را بشنو و بفریادم گوش ده ! دور منشین و نسبت به اشکهای که میریزم بی توجه مباش ، زیرا مهمان توام ! من هم چون اجداد خود مسافری هستم که از این دنیا می گذرم . خدایا ، خشم خود را از من برگردان ، بگذار بار دیگر قبل از مرگم از شعف و سرور لبریز شوم .

((فصل بیست و چهارم))

(مزمور ۴۰) : سرود جدید در مدح خدا

شکرگزاری

با صبر انتظار کشیدم تا خدا مرا یاری کند . پس او گوش داده فریادم را شنید . او مرا از چاه یأس و ناامیدی بر کشیده و از لجن زار و مرداب بیرون آورد و پاهایم را بر روی زمین محکم و سفت قرار داد ، و هنگام راه رفتن قدمهایم را مستحکم گردانید . سرودی تازه به من یاد داد تا بسرایم ، یعنی تسبیح خواندن خدای ما . حال ، عده کثیری از عظمت کارهایی که در حق من انجام داده است با خبر شده و با احترام در حضور او می ایستند و بر وی توکل می نمایند . برکات فراوان نصیب آنانی شده است که بر خدا توکل دارند ، نه بر اشخاص مغرور و یا بر بتها . ای خداوند ، خدای من ، بارها در حق ما معجزات عظیم به ظهور رسانیده ای ، و همیشه به فکر ما هستی . چه کسی دیگر می تواند چنان کارهای خارق العاده ای انجام دهد ؟ هیچکس را نمی توان با تو مقایسه کرد . به قدر کفایت وقت نیست تا همه اعمال شگفت انگیز تو را بیان نمایم .

انجام خواست خدا

قربانیها و هدایائی نیست که واقعاً طالب آنها باشی . قربانی سوختنی حیوانات در تو شادی مخصوص ایجاد نمی کند ، لیکن تو هدیه خدمت صادقانه ام را قبول فرمودی . پس گفتم ، «ملاحظه نما ، چنانکه همه پیغمبران پیشگوئی کردند ، آمده ام و به انجام خواست تو ای خدا رغبت دارم ، زیرا شریعت تو در دل من نوشته شده است .» به همه کس مژده داده ام که تو گناهان انسان را می بخشی . ای خداوند چنانکه آگاه هستی درباره رساندن این مژده ، ترس به خود راه نداده ام . این خبر خوش را در دل خود مخفی ننمودم ، بلکه محبت و حقیقت تو را به جماعت اعلام نمودم .

التماس از خدا

ای خداوند ، رحمت های خود را از من دریغ مدار ! امید من فقط در محبت و وفاداری تو است ! و اگر رحمت تو شامل حال من نشود هلاک می شوم ، زیرا مشکلاتم بر روی هم انباشته شده و به قدری بزرگ هستند که حل آنها از عهده ام خارج می باشد . در ضمن گناهانم که بسیارند مرا گرفتار ساخته و از شرم نیم توانم سرم را بلند کنم . در نتیجه دل در اندرونم به شدت می طپد . استدعا دارم ای خداوند ، مرا نجات بده ! بشاب ! بیا و مرا یاری فرما ! آنانی را که قصد هلاکت من دارند ، متفرق نما ! ایشان را به عقب برگردان و پراکنده ساز ، این مسخره کنندگان را با شکست عظیم رسوا ساز ! اما آنانکه تو و نجات تو را دوست دارند ، شاد گردان ، تا پیوسته از شادی بانگ بر آورند که : «خدا چقدر عظیم است !» من مسکین و نیازمندم ، با وجود این خداوند هم اکنون درباره من می اندیشد . خدایا تو یاور من هستی ؛ تو نجات دهنده من می باشی ؛ به زودی بیا و نجاتم ده . التماس دارم تأخیر مفرما !

((فصل بیست و پنجم))

(مزمور ۴۱) : شکایت از دشمنان و اطمینان از خدا

تفکر درباره رستگاری از جانب خدا

خدا ، کسانی را که نسبت به مسکینان رؤوف و مهربان هستند ، متبارک می گرداند . آنها را از مشقات و زحماتشان می رهاند ! او از ایشان حمایت می کند و آنها را زنده نگاه می دارد . او آشکارا آنها را سرافراز می نماید و اقتدار دشمنان را در هم می کوبد . در مواقع بیماری ، آنها را پرستاری می کند ، و درد و رنج ایشان را تسکین می دهد .

تجربه تلخ داود

التماس نموده گفتم : «ای خدا بر من رحم فرما و مرا شفا بده ، زیرا به معصیت خرد اعتراف نمودم .» لکن خصمانم می گویند «انشأالله به زودی می میرد و فراموش می شود !» هنگامی که بیمارم و به عیادتم می آیند ، وانمود می کنند که دوستدارم می باشند ؛ ولی پیوسته از من نفرت دارند و شادمانند که بر بستر بیماری افتاده و رنج می برم . و هنگام رفتن از پیش من می خندند و تمسخر می کنند . آنها با هم درباره این مرض من بد می اندیشند ، می گویند «هر چه هست کشنده است . او هدگزار این بستر بیماری بر نمی خیزد .» حتی بهترین دوستم از من برگشته است یعنی شخصی که کاملاً بر وی اعتماد داشتم و غالباً نمک همدیگر را خورده ایم .

اعتماد کامل بر خداوند

خدایا ، تو مرا ترک مکن ! خیر خواه من باش ! بار دیگر مرا شفا ده تا بتوانم آنچه را که به من کرده اند تلافی کنم . یقین دارم که از من راضی هستی ، زیرا اجازه نفرمودی که خصمانم بر من پیروز شوند . مرا محافظت فرمودی ، چونکه امین بودم . مرا تا ابد به حضور خود پذیرفته ای . متبارک باد خداوند ، خدای اسرائیل که از ازل بوده و تا ابد خواهد بود . آمین آمین .

(فصل بیست و ششم)

(مزمور ۴۲) : طلبیدن خدا در هنگام زحمت

آرزو و پشیمانی

همچنانکه آهو در طلب آب نفس نفس می زند ، همچنان ای خدا من مشتاق تو هستم . من تشنه خدا هستم ، خدای زنده . در کجا می توان او را یافت تا بیایم و در حضورش بیاایستم ؟ چون خداوند در کمک نمودنم تأخیر نموده است ، شب و روز اشک می ریزم ، در این مدت دشمنان مرا سرزنش می کنند و با تمسخر می گویند : «این خدای تو کجاست ؟» ای جانم شجاع باش ! آیا آن اوقات را بیاد می آوری (چگونه می توانی آنها را فراموش کنی ؟) هنگامی که جماعتی عظیم را تسبیح خوانان و حمدگویان در روزهای عید به معبد رهبری می نمودی ؟ پس چرا افسرده ، نا امید و غمگین هستی ؟ بر خدا امید داشته باش ! پس بار دیگر او را برای کمکی که به من کرده است حمد خواهم نمود .

افسردگی و امید

هنوز افسرده و دل‌تنگ هستم ؛ اما به لطف تو دربارہ این زمین محبوب ، جائیکه رودخانه اردن جاریست و کوههای هرمون و مصغراستوارند ، می اندیشم . تمام امواج و خیزابهای تو بر من گذاشته اند و طوفانهای غم چون آبشارهای غرنده بر من فرود می آیند . با وجود این همچنین خداوند در روز محبت پایدار خود را از من دریغ نمی نماید و در شب او را حمد می گویم و نزد خدا که به من حیات ارزانی داشته است دعا می کنم . به خدا که صخره من است خواهم گفت «چرا مرا فراموش کرده ای ؟ چرا باید حملات خصمان را متحمل شوم ؟» سرزنش های ایشان چون زخم کشنده مرا زجر می دهند . مکرراً استهزا کرده و می گویند «آن خدای تو کجاست ؟» اما ای جان من مایوس مباش ! ناراحت مشو ! منتظر اقدام خدا باش ! زیرا بار دیگر به علت کارهای بیشماری که برای من انجام می دهد او را خواهم ستود . او یاور من است . اوست خدای من .

(فصل بیست و هفتم)

(مزمور ۴۵) : شعری در وصف عروسی شاهانه

در وصف داماد

دلم از یک اندیشه عالی لبریز است! شعری دلپذیر در وصف پادشاه خواهم نوشت، زیرا مانند کاتبی که در نویسندگی مهارت دارد، از کلمات پر هستم. «زیباتر از همه هستی، سخنانت پر از فیض می باشد؛ خود خدا تو را تا ابد متبارک می گرداند!» مسلح شو، ای قادر مطلق، بسیار معزز و مجلل! در عظمت خویش به فتوحات ادامه بده، ای مدافع حقیقت و تواضع و عدالت. به انجام اعمال مهیب خویش ادامه بده! تیرهای تیز تو به دل دشمنان فرو می روند و در برابرت می افتند. ای خدا دوام تخت تو تا ابدالآباد است. انصاف عصای سلطنتی تو می باشد. نیکی را دوست داری و از بدی نفرت می نمائی. بنابراین خدایت تو را بیش از هر کس دیگر شاد گردانیده است. همه لباسهایت با مر، عود و سلیخه معطر می باشند. در کاخ عاج تو موسیقی دلپذیری به منظور خوشی ات نواخته می شود. در میان زنان تو، دختران پادشاهان هستند. ملکه، ملبس به لباس جواهر نشان و بهترین طلای افیر، در کنارت ایستاده است.

در وصف عروس

تو را پند می دهم ای دختر، از دوری والدین خود در موطن خویش آزرده خاطر مباش. شوهرت پادشاه مشتاق زیبایی تو است او را حرمت بدار چون صاحب تو می باشد. مردم صور که متمول ترین مردم روزگار ما هستند، پیشکش ها برایت خواهند آورد و رضامندی تو را خواهند طلبید. شاهزاده عروس با لباس زیبا که مزین به طلا است، در حجله خویش انتظار می کشد. او دوست داشتنی است و دوشیزگان او را نزد شاه همراهی می کنند! چه فرح انگیز است هنگامی که جماعت باهم وارد دروازه قصر می شوند! «پسرانت روزی چون پدر خویش پادشاه می شوند. ایشان بر تخت نشسته سلطنت خواهند نمود! من دیگران را خواهم آموخت تا نام تو را در جمیع نسل ها حرمت بدارند. ملل جهان همواره تو را حمد خواهند گفت.»

((فصل بیست و هشتم))

(مزمور ۴۶) : خدا پناهگاه مطمئنی است

پناهگاه ما

و خدا پناهگاه و قوت ما است . او مددکار آزموده شده ایست که در مواقع زحمت یافت می شود . اگر حتی دنیا متزلزل شود و کوهها به قعر دریا فرو ریزند ترسان نباید شد . پس بگذارید دریاها غرش نمایند و کف بر آرند ، و کوهها بلرزه در آیند !

آرامش ما

در شهر خدای ما رودخانه شادمانی جاریست ، آنجائیکه مسکن مقدس خدای خدایان می باشد . خود خدا در آن شهر مسکن گزیده است ؛ بنا بر این اضطرابات و آشوبها در آنجا وجود ندارد که آن را متزلزل سازد . او از کمک کردن دریغ نخواهد نمود ملت ها از خشم ، یاوه و هذیان می گویند . لکن وقتی که خدا سخن گوید ، زمین گداخته و فرمانروائی ها متزلزل و واژگون می گردند فرمانده لشکرهای آسمانی اینک در میان ما می باشد . او ، یعنی خدای یعقوب ، آمده است تا ما را رهائی بخشد . بیائید کارهای شگفت انگیز خدا را مشاهده کنید که چگونه دنیا را ویران می سازد ، او موجب می شود تا جنگها در سر تا سر دنیا خاتمه یابند و هر نوع اسلحه را می شکنند و می سوزانند . «خاموش باشید ! بدانید که من خدا هستم ! در میان همه ملل جهان متعال خواهم بود » فرمانده لشکریان آسمانی در میان ما است ! او ، یعنی خدای یعقوب ، آمده است تا ما را برهاند !